

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده : محمود شاداب
۱۶ سپتمبر ۲۰۱۸

[می روم یار]

تو کلت علی الله می روم یار ز یثرب سوی بطحاء می روم یار
چرا نالم ز گرمای مدینه به سایه باغ خرما می روم یار
گذر افتد اگر در شهر مصرم به نی بست زلیخا می روم یار
به شاه نقشبندم اعتقاد است خدا خواهد بخارا می روم یار
روان کوهکن شاید ببینم چو رگ در بین خارا می روم یار
روان گردیده سیلاب سرشکم چو خس بر روی دریا می روم یار
به مروارید دندان اسیرم پی لؤلؤی لال می روم یار
چو من عزم سرکویت نمایم تو گوئی طور سینا می روم یار
تماشا می کنم وادی به وادی به دامن های صحرا می روم یار
به دست خود ندادی رویمالت من از جیب تو بالا می روم یار
تو باشی شمع بالین عشقوری را شبی کز روی دنیا می روم یار